

آنتی وپروس جدایی

گاهی تصمیم تغییر در سبک زندگی مان می‌تواند ما را از یک شکست بزرگ نجات دهد؛ برای همین توصیه می‌کنیم قبل از ازدواج، عوامل مؤثر در طلاق را بشناسید و درمانش کنید.



گاهی تصمیم تغییر در سبک زندگی و پروس جدایی مان می‌تواند ما را از یک شکست بزرگ نجات دهد؛ برای همین توصیه می‌کنیم قبل از ازدواج، عوامل مؤثر در طلاق را بشناسید و درمانش کنید.

به گزارش سلامت نیوز به نقل از روزنامه همشهری، گاهی یک سری ویروس‌های به جان زندگی مشترک ما می‌افتد که باعث می‌شود لبه پرتگاه خیلی نزدیک‌تر از چیزی که ما تصورش را داریم به نظر برسد؛ ویروس‌هایی که بیشتر به نوع نگاه ما و سبک زندگی مان ربط دارد. مدتی پیش رئیس کارگروه پیشگیری از طلاق و آسیب‌های خانواده قوه قضاییه اعلام کرد که براساس یک تحقیق ملی انجام شده، 5 علت اصلی درخواست طلاق از بین ۲۶ علت طلاق؛ اعتیاد به مواد مخدر، دخالت اطرافیان، ضرب و شتم، تنفر و بی‌علاقگی و سوءظن به همسر؛ گزارش شده است. البته علل دیگری مانند عدم انتخاب درست و عدم شناخت کافی زوجین از یکدیگر قبل از اقدام به ازدواج هم می‌تواند بین این عوامل قرار بگیرد؛ به همین خاطر ما در این بخش تلاش کردیم عوامل مهم و مؤثری که می‌توانند بر تصمیم زوجین برای طلاق تأثیرگذار باشند را مورد بررسی قرار دهیم.

رقابت بستگان داماد و عروس

متأسفانه جامعه ما را نه می‌توان سنتی و پدرسالارانه نامید و نه جامعه مدرن و امروزی. زندگی زوج جدید میدان رقابت بستگان داماد و عروس است که هر کدام می‌کوشند براساس طرز فکر خود در زندگی و حتی تربیت کودکان دخالت کنند. بنابراین متأسفانه گاهی چنین پیش می‌آید که اگر زن یا شوهر به‌طور کامل از والدینشان جدا نشوند، احتمال بروز مشکلات بیشتر در زندگی زناشویی آنها وجود خواهد داشت؛ مثلاً بعضی از والدین دوست ندارند فرزندشان پس از ازدواج از آنها دور شود و ترجیح می‌دهند که در کنارشان زندگی کند.

آنها به این مسئله توجه ندارند که در این صورت ممکن است باعث به‌وجود آوردن مشکل در زندگی مشترک فرزندشان شوند. برای حل این مشکل چاره‌ای نیست به غیر از افزایش مهارت‌های ارتباطی با دیگران، چون به هر حال بعد از ازدواج اگر زن یا شوهر به‌طور کامل از والدین خود جدا نشده باشند احتمال بروز این مشکل در زندگی زناشویی آنها بیشتر است.

خانواده‌های تک‌فرزند معمولاً دوست ندارند فرزندانشان بعد از ازدواج از آنها جدا شوند و بدون توجه به این نکته که این کار ممکن است باعث به‌وجود آمدن مشکلاتی در زندگی زناشویی آنها شود سعی می‌کنند همسر فرزند خود را مجبور به زندگی در خانه مشترک کنند. ممکن است این موضوع در سال‌های اول به‌دلیل جذابیت‌های مالی مشکلی ایجاد نکند اما در درازمدت در مواردی مشکل‌ساز می‌شود؛ مثلاً بعید نیست روابط بین مادرشوهر-عروس، خواهرشوهر-عروس و مادرزن- داماد که در فرهنگ ما اغلب از دیدگاه خوبی نسبت به هم برخوردار نیستند، بالاخره کار خودش را بکند.

یک کام، دو کام و... طلاق

اعتیاد نه تنها باعث از بین رفتن فرد می‌شود بلکه کانون زندگی مشترک را نیز از بین می‌برد. البته باید توضیح داد که موضوعی مانند اعتیاد تنها یک علت خاص ندارد بلکه معلول چند علت است. حتی باید گفت گاهی خود طلاق علت اعتیاد است و رابطه علت و معلولی و مستقیمی با یکدیگر دارند؛ یعنی همانگونه که اعتیاد دلیل طلاق است، گاهی طلاق موجب اعتیاد می‌شود؛ مانند بچه‌هایی که نتیجه طلاق هستند یا همسرانی که از یکدیگر جدا شده‌اند. به‌دلیل تبعاتی که طلاق دارد موجب افزایش اعتیاد می‌شود. بنابراین باید بدانیم که جامعه سنتی ما در حال و روزگار به مدرنیته است و زنان دیگر مثل گذشته نیستند که به قول

معروف بسوزند و بسازند و چون خودشان توانایی مالی دارند، به ZWNJ؛ خاطر دسترسی به امکانات حاضر نیستند به هر شکلی در یک زندگی دوام بیاورند.

از سوی دیگر، آسیب ZWNJ؛ های اجتماعی همانطور که مردها را تحت ZWNJ؛ تأثیر قرار می دهد، زنان را هم در معرض خطر قرار می دهد. وقتی طلاق برای یک خانم رخ می دهد، زیرساخت مناسبی برای بعد از جدایی ZWNJ؛ اش وجود ندارد. این درست نیست که زندگی مشترک فقط به بهانه اعتیاد همسر به طلاق منتهی شود. در اعتیاد یک شخص عوامل مختلفی نقش دارد. بهترین کمکی که کسی می تواند به همسر معتاد خود بکند این است که به جای اینکه او را در این زمان طرد کند به او فرصتی بدهد تا سلامتی خودش را بازابد. طلاق در زمان اعتیاد نه ZWNJ؛ تنها وضعیت را بهتر نمی کند بلکه سبب پیچیده ZWNJ؛ ترشدن درمان برای همسر بیمار می ZWNJ؛ شود. فراموش نکنید همسرانی که در لحظات بیماری و سختی همسر خود را رها نمی کنند و او را عاشقانه دوست می ZWNJ؛ دارند همسران واقعی هستند.

جوگیر نشو؛ مشورت کن

قطعا ابتلای یکی از زوجین یا هر دو نفر آنها به اختلالات روانی می ZWNJ؛ تواند موجب از ZWNJ؛ هم ZWNJ؛ پاشیدگی یک زندگی مشترک شود. اختلالات روانی می ZWNJ؛ تواند طیف گسترده ZWNJ؛ ای از شدت و ضعف را دربرگیرد؛ مثلاً ابتلا به افسردگی از حالت خفیف آن تا حالت شدید آن، می ZWNJ؛ تواند موجب اختلال در روابط زناشویی شود ولی گاهی اختلالاتی مانند اختلالات شخصیت که به ZWNJ؛ طور مشهود در مبتلایان آن دیده نمی ZWNJ؛ شود از عوامل ناسازگاری و تنش ZWNJ؛ های زندگی زناشویی خواهد شد و بعد از مدتی به مشاجره و درنهایت، تنفر زیاد از همدیگر و طلاق و متارکه می ZWNJ؛ انجامد. بنابراین هنگام ازدواج اگر دختر و پسر از مشاوره ZWNJ؛ های پیش از ازدواج استفاده کنند با شخصیت یکدیگر بیشتر آشنا می ZWNJ؛ شوند و چنانچه یکی از زوجین دچار مشکلات روانی باشد یا از ازدواج جلوگیری می ZWNJ؛ شود و یا در صورت امکان قبل از ازدواج درمان می ZWNJ؛ شود و بعداً اقدام به ازدواج می ZWNJ؛ کنند.

من را ببین لطفاً!

این مهارت ZWNJ؛ های ارتباطی که شامل مهارت ZWNJ؛ های عاطفی، کلامی و... است از چنان اهمیتی برخوردار بوده که حتی اگر 2 نفر به هم علاقه ZWNJ؛ مند هم نباشند با تسلط بر مهارت ZWNJ؛ های ارتباطی می ZWNJ؛ توانند به یکدیگر علاقه ZWNJ؛ مند شوند و با هم زندگی کنند؛ ولی ما اغلب با افراد علاقه ZWNJ؛ مندی مواجه می ZWNJ؛ شویم که از مهارت ZWNJ؛ های ارتباطی بهره ZWNJ؛ مند نیستند یا در یکی از آنها ضعف دارند؛ از همین رو زندگی ZWNJ؛ شان دچار اختلال می ZWNJ؛ شود و هر قدر هم دامنه این اختلال گسترده ZWNJ؛ تر شود امکان طلاق بیشتر می ZWNJ؛ شود.

صحبت نکردن از احساسات و مهارت گفت ZWNJ؛ وگو یکی از مسائلی است که زن و شوهر را به سمت تخریب ارتباطاتشان می ZWNJ؛ کشاند زیرا از طبیعی ZWNJ؛ ترین انتظارات هم نیز باخبر نیستند. متأسفانه ما برای هر کاری و برای کسب مهارت، دوره ZWNJ؛ های خاص و آموزش ZWNJ؛ های ویژه می ZWNJ؛ گذرانیم، در حالی ZWNJ؛ که در ناآگاهی و جهل سراغ این پدیده پیچیده (ازدواج) می ZWNJ؛ رویم و آن را خیلی سهل تصور می ZWNJ؛ کنیم و فکر می ZWNJ؛ کنیم با علاقه صرف قادر به تشکیل و ادامه زندگی هستیم. فراگیری آموزش ZWNJ؛ های مهارت ZWNJ؛ های زندگی مشترک آن ZWNJ؛ قدر با اهمیت است که اگر کسی آنها را کسب نکند نباید وارد زندگی مشترک شود.

یکی از راه ZWNJ؛ های کاهش طلاق در جامعه آگاهی ZWNJ؛ بخشی به جوانان است تا بدانند زندگی مشترک عرصه ZWNJ؛ ای است که باید در آن با مسائل و مشکلات بیشتری مواجه شوند و در عین حال راه ZWNJ؛ های حل آن را از طریق تعامل و کنش متقابل فراهم کنند. به بیان دیگر در جامعه ما مهارت ZWNJ؛ های زندگی زیر یک سقف آموزش داده نمی ZWNJ؛ شود و افراد در فرایند مسائلی که پیش می ZWNJ؛ آید به ZWNJ؛ دلیل اینکه تمرینی برای حل مسئله نداشته ZWNJ؛ اند درصدد پاک ZWNJ؛ کردن صورت مسئله و جدا شدن برمی ZWNJ؛ آیند.

همیشه پای پول در میان است

مسائل اقتصادی در سال ZWNJ؛ های اخیر تأثیر ویژه ZWNJ؛ ای روی جدایی داشته است. بیکاری و افزایش

هزینه‌ها؛ ازدواج می‌شود داشتن حداقل استقلال و درآمد برای اداره یک زندگی است؛ یعنی درآمد فرد به اندازه‌ای باشد که بتواند مخارج فرد یا افراد دیگری را تقبل کند. امروزه با وجود تورم، فقر و گرانی، خانواده‌ها با مشکلات عدیده مالی دست به گریبان هستند. علاوه بر این دو؛ سوم افرادی که از دانشگاه فارغ‌التحصیل می‌شوند عملاً جذب بازار کار نمی‌شوند و به‌عنوان افرادی که آینده شغلی مشخصی ندارند از ازدواج امتناع می‌کنند که همین امر باعث پایین آمدن نرخ ازدواج می‌شود.

از طرف دیگر فضای بد کسب‌وکار و متوقف شدن بسیاری از کسب‌وکارها؛ کارها باعث شده زندگی افرادی هم که ازدواج کرده‌اند در آستانه فروپاشی قرار گیرد البته نمی‌توان در این باره که مشکلات اقتصادی تنها علت طلاق است اظهارنظر کرد ولی اساساً مطالعات کلی‌ای که در خارج و داخل کشور انجام شده نشان می‌دهد وضعیت مالی خانواده‌ها مخصوصاً در شرایط بحران اقتصادی یکی از دلایل عمده طلاق در جوامع مختلف محسوب می‌شود. مسائل اقتصادی شامل مواردی مانند عدم اشتغال، ناتوانی جوانان در تهیه مایحتاج ضروری زندگی، نداشتن مسکن مناسب، نداشتن بودجه مالی لازم برای گرداندن زندگی روزمره خانواده و نابرابری بین درآمد و خرج خانواده‌هاست.

در این راه، هم مرد و هم زن در ازدواج به دنبال ترمیم، تکمیل و کمال بخشی به تمامی ناکامی‌ها و مسائل و مشکلاتی هستند که گریبانگیر آنهاست و می‌خواهند از طریق ازدواج همه آنها را پوشش دهند و ترمیم کنند. چنین افقی از ازدواج ذهنی است و در واقعیت‌های عینی قابل تحقق نیست. در ازدواج پاره‌ای از مشکلات و مسائل فرد حل می‌شود ولی عملاً ده‌ها برابر آن مسائل و مشکلات در زندگی زناشویی افزوده می‌شود و بنابراین بین ذهنیت و عینیت شکاف وسیعی به وجود می‌آید که هر دو طرف ازدواج احساس می‌کنند به آن اهدافی که برای خود ترسیم کرده‌اند از طریق ازدواج دست نیافته‌اند. توقعات نابجا و نامحدود زن و مرد یکی از دلایل جدایی است. امروزه زرق و برق‌های بسیار زیاد و متنوع بر اختلافات خانوادگی دامن زده و وضعیت بحرانی را در کانون خانواده به وجود آورده است.

مقایسه زندگی‌ها با همدیگر، بلایی است که می‌تواند هر زندگی خوب و زیبا را از هم متلاشی می‌کند. اگر زوجین گرفتار چنین حالتی شوند تحت هر شرایط و امکاناتی هرگز به آرامش و رضایت نخواهند رسید. این وضعیت حالتی روانی را در افراد به وجود خواهد آورد که با به دست آوردن هر چیزی به موضوع دیگری فکر خواهند کرد که هرگز تمامی نخواهد داشت. در یک زندگی زناشویی، زوجین اگر با شناخت کافی و براساس معیارهای درست ازدواج کرده و نسبت به هم علاقه و اعتماد داشته باشند می‌توانند با داشتن حداقل امکانات زندگی با همدیگر سازگار باشند و زندگی کنند. کما اینکه در غیر این صورت با بالاترین امکانات مادی هم با یکدیگر مشکل پیدا می‌کنند.

همه عوض می‌شود؛ شویم

یکی از آسیب‌هایی که در از هم‌هم‌پاشیدگی خانواده‌ها مؤثر است اختلاف نسلی یا شرایط نسل جدید با شرایط نسل قدیم است که منشأ اختلافات فکری و سلیقه‌ای می‌شود. این اختلافات فکری و سلیقه‌ای در رفتار والدین و فرزندان بروز کرده و تنش‌هایی ایجاد می‌کند. عامل عمده این اختلافات فرهنگی و نسلی، ورود معیارها و ملاک‌های ارزشی و اخلاقی جدید به حوزه خانواده است که با ارزش‌های قبلی همخوانی ندارد. حتماً هم لازم به گفتن مجدد نیست که اساس پایداری خانواده تعامل و هماهنگی بین افکار اعضای خانواده یعنی والدین و فرزندان است. وقتی فرهنگ‌ها و باورها با یکدیگر سازگاری داشته باشند اعضای خانواده در کنار یکدیگر باقی می‌مانند و همدلی و همفکری باعث پایداری خانواده می‌شود ولی برعکس، اگر اختلاف و تضاد و تباین فرهنگ بین اعضای خانواده شدید شود باعث ناپایداری خانواده‌ها می‌شود.

عروس خانوم دانشجو هستند؟ ... بععهعه!

مصادق بارز این تفاوت‌ها؛ ازدواج‌ها؛ ازدواج‌هایی که گاهی بدون مشورت انجام

و نهایتاً منجر به جدایی می‌شود. کارشناسان حوزه خانواده می‌گویند ازدواج‌هایی که در آنها هماهنگی بیشتری میان زوجین وجود دارد موفق‌تر است و کمتر به طلاق می‌انجامد. تشابهاتی مانند طبقه اجتماعی، سطح تحصیلات، سطح هوش، هم‌نژاد بودن، اعتقادات دینی مشابه و... یک ازدواج موفق را رقم می‌زند. یکی از عوامل مهم در ناسازگاری زوجین و عدم برقراری تفاهم بین آنها، وجود گرایش‌های فرهنگی متعارض و تفاوت طبقاتی است که با امکانات اجتماعی معمولاً دیدگاه‌های مختلفی را به وجود می‌آورد؛ البته اگر 2 نفر، آن اندازه از آگاهی لازم برخوردار باشند که این تفاوت‌ها را به رسمیت بشناسند مشکل خاصی پیدا نمی‌کنند. در اصل مهم‌ترین دلایل طلاق توقعات نادرستی است که طرفین از یکدیگر دارند.